

بازسازی «انجیل زنده» مانی بر پایه متن‌های ایرانی مانوی، یونانی، قبطی و اسلامی

آرمان بختیاری^۱، سپیده درویشی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۳/۱۷)

چکیده

یکی از کتاب‌هایی که مانی خود به زبان مادری‌اش سُرینی به نگارش درآورده است، «انجیل زنده» (*Ewangeljyōn zīndag*) نام دارد. نام این کتاب در روایت‌های ایرانی مانوی، چینی، یونانی، لاتین، قبطی و نوشته‌های اسلامی آمده است. در هر یک از این زبان‌ها نقل قول‌هایی از انجیل نیز می‌توان یافت که کاملترین آنها نقل قول‌های یونانی در دست‌نوشته یونانی مانوی (CMC) است. پس از آن می‌توان نقل قول‌های قبطی مانوی (MSC) را نام برد. روایت‌های ایرانی مانوی شامل قطعه‌هایی به فارسی میانه، پهلوانیگ و سغدی است. پس از این قطعه‌ها باید از قطعه‌ای چینی نام برد و سپس دو نقل قول کوتاه در ادبیات چینی مانوی. نام انجیل زنده اگرچه در نوشته‌های اسلامی آمده است، متأسفانه تنها چند نقل قول بسیار کوتاه از آن روایت شده که از آن جمله می‌توان از روایتی که ابوریحان بیرونی بیان داشته، یاد کرد. هدف این مقاله ارائه طرحی کلی از «باب الف» *انجیل زنده* مانی است. از آن جا که انجیل مانی دارای ۲۲ باب بوده است، می‌توان از باب‌های دیگر آن نیز نقل قول‌هایی هر چند کوتاه ذکر کرد. در واقع بخش اصلی این مقاله از ترجمه‌ای است به فارسی از تمام شواهد و نقل قول‌های انجیل زنده مانی در یک متن نسبتاً یکپارچه.

کلیدواژه‌ها: ادبیات مانوی، ادبیات ایران باستان، انجیل زنده، زبان‌های ایرانی.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

Email: rabakhtyari@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

پیش‌گفتار

انجیل مسیحی و ادبیات انجیلی در ادبیات مانوی چنان تأثیری گذاشته است که در واقع در آن باید به دنبال سه گونه ادبیات انجیلی (انجیل نوشته) بود:

الف) ترجمه انجیل و نوشته‌های انجیلی به زبان‌های ایرانی که بیشتر شامل سروده‌هایی در باب بردار کردن عیسی (ع) و رنج اوست؛

ب) سروده‌هایی تحت عنوان سروده‌های انجیلی (*Ewangeljōnīg bāšāh*) که البته همینک با توجه به این که اطلاع کاملی از باب‌های ۲۲ گانه انجیل در دست نیست، چنین می‌نماید که پیوندی با انجیل زنده مانی نداشته باشد؛ اما از آن جا که «باب ب» انجیل زنده دربرگیرنده مطالبی در خصوص قلمرو تاریکی بوده است، می‌توان این سروده‌ها را نیز از این باب دانست. «باب ج» انجیل نیز احتمالاً روایتگر «ائون‌های روشنی»، «قریب‌الوقوع بودن خطر» و «ساختارهای اهریمنی» است؛

ج) قطعه‌هایی از انجیل زنده مانی؛ این قطعه‌ها شامل قطعه‌هایی به فارسی میانه، پهلوانیگ و پهلوانیگ به خط سعیدی است که همه بیانگر بخش کوتاهی از «باب الف» است؛ البته نام «باب ت» هم در قطعه‌ای دیگر از سن‌پترزبورگ آمده است.

مانی، خود انجیل زنده و نامه‌ها را به نگارش درآورده؛ نامه‌هایی که به تقلید نامه‌های پولوس نوشته شده است و در میان پیروان او یکی از مهم‌ترین مزامیری شکل گرفته است که خود پایه‌ریزی کرده بود. به جز چهار انجیل اصلی و نامه‌های پولوس، مانویان انجیل پطروس، فیلیپوس و توماس و نیز شاید یادمان و اعمال رسولان، انجیل دوازده حواری، انجیل هفتاد و کودکی سرور را نیز به کار برده‌اند و دیگر آثار جعلی ادبیات مسیحی را هم مانند اعمال پطروس، آندریاس و دوازده حواری می‌شناخته‌اند [9, pp386-387].

قطعه‌های شناخته‌شده تورفانی به زبان‌های ایرانی که اینک در برلین و سن‌پترزبورگ نگهداری می‌شوند، در پایان قرن نوزدهم میلادی در واحه تورفان در سین‌کیانگ چین به دست آمده‌اند. گروه‌های تورفان پژوهی آلمانی - پروسی، روس و ژاپنی توانستند اشیای هنری گران‌بهایی را از میان آن واحه بیرون بکشند. افزون بر آن به دست‌نوشته‌های باارزشی دست یافتند که نشان‌دهنده گوناگونی زبان‌ها، خط‌ها و دین‌هایی است که در کنار جاده ابریشم با یکدیگر روبه‌رو می‌شدند. بیشتر این دست‌نوشته‌ها از پیروان دین‌های بودایی، مسیحی و مانوی است [۶، ص ۱۷۵-۱۷۶].

پیش از دستیابی به گنج نهفته در ریگزارهای تورفان، تیویق و قره‌شهر، بیشترین و

کامل‌ترین اطلاعات از دین مانوی همان نوشته‌های دانشمندان اسلامی چون ابن‌ندیم، بیرونی، شهرستانی، یعقوبی و دیگران بوده است. به گفته بیرونی، مانی در انجیل خود که آن را بر ۲۲ حرف ابجدی نهاده، خود را فارقلیط و خاتم پیامبران خوانده است [۴، ص ۲۶۴]. به گفته وی هر باب از ۲۲ باب انجیل زنده که برابر با ۲۲ حرف الفبای سریانی است، با یکی از حروف ابجد شروع شده است [۴، ص ۲۹]. بیرونی می‌افزاید که پیروان مانی انجیل جداگانه‌ای دارند که با انجیل نصرانیان از آغاز تا انجام ناهمساز است، اینان بدانچه در آن آمده است باور دارند و پندارند که همان درست است و بس (گویند که) مسیح (ع) هم به مقتضای آن آورده و رفتار کرده، جز آن پوچ و نادرست باشد.

یعقوبی می‌گوید: «مانی کتاب‌هایی برای اثبات دو مبدأ نوشت: کتابی به نام «الهدی و التدبیر» و دوازده انجیل که هر یک را به حروفی از حروف می‌نامد و نماز و آنچه را سزاوار است برای خلاص روح انجام شود، ذکر می‌کند» [۱۰، ص ۱۹]. حکیم مانی در باب الف انجیلش و در آغاز شاپورگان گوید: پادشاه جهان روشنی در همه سرزمین خود هست و هیچ چیز وجود ندارد که از او تهی باشد و او ظاهر و باطن است. او را نهایی نیست مگر از جهتی که بر سرزمین دشمن منتهی می‌شود» [۷، ص ۴۸]. شاید قطعه M733/v/ نیز می‌خواسته چنین مطلبی را بیان نماید:

17/un pad ewangelyōn (u)[d]
18/zīndagān gōwēd ku pad zamīg ud

۱۷/ و به انجیل و

۱۸/ <گنج> زندگان گوید که به زمین و

متأسفانه در همین جا که می‌خواهد مطالب انجیل را بازگو کند، ریختگی دارد و صد افسوس که چیزی از آن دست‌گیرمان نمی‌شود؛ اما شاید مطالب بالا که از شهرستانی روایت شده، بیانگر ادامه نقل قول‌های فارسی میانه باشد. بنابراین دو بند ذکرشده را می‌توان از «باب الف» انجیل دانست.

بر پایه نوشته‌های شهرستانی و یعقوبی می‌توان به نکته‌های کوچکی از انجیل مانی پی برد؛ این که مانی در باب الف انجیل بر ضرورت ادای نماز سخن گفته است و یا در مورد چگونگی به جا آوردن این فریضه توضیح داده است. شهرستانی آورده است که «مانی بر اصحابش یک‌دهم از همه اموال و نمازهای چهارگانه در روز و شب و ترک دروغ‌گویی، قتل، دزدی، زنا، بخل، جادوگری و پرستش‌بت‌ها را واجب کرده است [۵، ص ۱۴].

ابن ندیم در بخش توضیحی درباره خط‌ها چنین آورده است: «خط مانی از فارسی و سوریانی استخراج شده و مخترع آن مانی است. چنان‌که مذهب او هم ترکیبی از مجوسیست و نصرانی است. حروف این خط بیش از حروف عربی است و با آن انجیل و کتاب‌های مذهبی خود را می‌نویسد و مردم ماوراءالنهر و سمرقند نیز کتاب‌های دینی خود را با آن نوشته و آن را خط دینی نامند» [۳، ص ۲۹].

گفته‌های یعقوبی، شهرستانی و بیرونی بر پایه متن‌های تورفانی به‌خوبی تأیید می‌شود؛ چرا که در متن فارسی میانه M2/Ir/i/9-11 نام انجیل به عنوان کتاب آمده است: *pas xwadāwan sih dibīr Ewangelyōn anē nibēg ō Addā frestīd*

«و پس به‌وسیله خداوندگار (= مانی) سه دبیر، انجیل و دو کتاب دیگر برای ادا فرستاده شد.»

در متن پهلوانیگ (منتشر نشده) M 5611/A/6 نام انجیل آمده است:

[‘wn](g)l(yw)n jywndg

«[ان] جیل زنده...»

نیز در متن پهلوانیگ به خط سغدی TM 406b/v/6 آمده است:

’st’w’δ ‘wkglywn zyw(’nt)’kw

«ستوده است انجیل زنده»

در متن فارسی میانه S1/v/6: *(’)wnglywn ‘y wyst w dw wdymušt’yh’n*

«انجیل ۲۲ شگفتی.»

’wnglywn ‘y ‘rβ ncyhyd

نیز در S1/v/4:

«(باب) الف انجیل را می‌آموزد»

از همه مهم‌تر در متن S1/C/5 آمده است: *’wnglyn ‘y (t)ww ncyhyd*

«(باب) ت انجیل را می‌آموزد» [4, pp27-28].

بنابراین می‌توان مطمئن بود که انجیل مانی بر پایه نوشته‌های الفبای آرامی (از الف تا ت)، ۲۲ باب داشته است. گفته‌های نویسندگان اسلامی درباره ۲۲ باب داشتن انجیل و این که نام یکی از کتاب‌های مانی است در زبور مانوی نیز تأیید می‌شود:

«او پادزهری است برای هر بیماری

بیست و دو ترکیب در پادزهر اوست: /انجیل بزرگ او، اخبار نیکوی همه آنانی است

که از تبار نوراند» [۱، ص ۱۲۴].

محتوای کلی /انجیل زنده مانی را نیز می‌توان از نوشته‌های دانشمندان اسلامی

به خوبی دریافت و این مطلبی است که هنوز قطعه‌های تورفانی یا قبطی و یونانی نتوانسته‌اند، آن را تأیید کنند. یعقوبی در کتاب تاریخ خود آورده است که: «کتاب یسمیه کتاب الهدی و التدبیر و اثنا عشر انجیلا یسمی کل انجیل منها بحرف من الحروف و یذکر الصلاة و ما ینبغی ان یستعمل اخلاص الروح» [۳، ص ۱۰۴].

«در کتابی بنام الهدی و التدبیر و دوازده انجیل که هر یک را به حرفی از حروف می‌نامد و آنچه را سزاوار است، برای خلاص روح انجام شود، ذکر می‌کند» [۱۰، ص ۱۹۶].

ابوریحان بیروی در آثارالباقیه ضمن بیان اختلاف بین اناجیل مسیحی و انجیل مانی

چنین شرح می‌دهد:

«نزد هر یک از پیروان مرقیون و پیروان ابن دیصان، انجیلی است که با آن انجیل‌ها برخی نابسامانی‌ها دارد. پیروان مانی هم انجیل جداگانه‌ای دارند که با [انجیل] نصرانیان از آغاز تا انجام ناهمساز است. اینان بدانچه در آن آمده باور دارند، پندارند که همان درست است و بس (گویند که) مسیح (ع) هم به مقتضای آن آورده و رفتار کرده جز آن پوچ و نادرست باشد، پیروانش آن را دروغی به مسیح (ع) بسته‌اند. نسختی از انجیل است که آن را انجیل هفتادی نامند و آن منسوب است به بلامس که سرآغازش آمده سلّام بن عبدالله بن سلّام آن را از زبان سلمان فارسی نوشته، هر کس که در آن بنگرد، ساختگی بودنش بر او پوشیده نماند، نصرانیان و جز آن را انکار می‌کند، بنابراین در میان انجیل‌ها هیچ یک از کتاب‌های پیامبران پیدا نمی‌شود که بتوان بر آن اعتماد کرد» [۴، ص ۲۹]. احمد بن یحیی بن المرتضی نویسنده کتاب المنیه و الامل فی شرح الملل و النحل آورده است: «ذکر المانی فی الانجیل و الشابرکان انّ ملک عالم النور فی سرّه ارضه و ذکر فی باب الالف من انجیله و فی اول شابرکان أنّه فی کل ارضه و أنّه ظاهر باطن و أنّه لا نهاییه له الا من تنهای ارضه الی ارض عدوّه و فرض مانی علیهم المسکنه...» [۴، ص ۲۹۹ و ۳۰۱].

«و گفت مانی در انجیل و شاپورگان که ملک جنان النور در ناف زمینش زندگی می‌کند. او در باب الف انجیلش آورده است و نیز در بخش نخست شاپورگان که او بر همه زمین مسلط است ظاهر و باطن، او مرزی ندارد به جز در کناره‌هایی که زمینش به زمین و شخصش بر خورد می‌کند» [6,p399].

بیرونی می‌گوید: «حدود چهل و اندی سال در این اشتیاق بودم تا اینکه پیکی از همدان به سوی خوارزم روانه شد و کتاب‌هایی با وی بود که آنها را توسط فضل بن

سهلان یافته بود. در بین آنها مصحفی بود که شامل چندین کتاب مانوی یعنی فرقامطیا، سفر الجابره، کنز الاحیاء، صبح الیقین، الناسیس، الانجیل، الشابورکان، و چند رساله...» [۸، ص ۸۱].

مقریزی در المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الاثار، انجیل مانی را معرفی می‌کند: «ولأصحاب مانی انجیل علی حدّه یخالف ما علیه النصارى من اوله الى آخره و یزعمون أنّه هو الصحيح و ماهذاه باطل و لهم ایضاً انجیل یسمی الانجیل السبعین ینسب الی بلامس و النصارى و غیرهم» [۳، ص ۳۰۴].

در کتاب کشف‌المحجوب تألیف هجویری غزنوی در ذکر انجیل آمده است: «و معروفست کی اندر روم چیزی ساخته‌اند بیمارستانی سخت عجیب کی آن را انگلیون خوانند و اندر هر چیزی کی عجایب باشد بسیار یونانیان بدین نام خوانند آن را چنانک صحف را انگلیون خوانند و آن وضع مانی را و مانند آن را...» [۳، ص ۴۹۴].

محبوب بن قسطنطین در کتاب العنوان مختصری از زندگی مانی را آورده است و در جای دیگری از این کتاب، آثار مانی را چنین ذکر می‌کند: «و وضع اربعه کتب و سمی أحدها کتاب الاسرار و سمی الآخر الانجیل و الثالث کتاب الكنز و الرابع کتاب الجدل...» [۳، ص ۳۵۱].

میرخواند مولف کتاب روضه الصفا می‌نویسد: «ذکر مانی نقاش، در بعضی کتب مسطور است که چون به سمع زندیق رسید که عیسی (ع) فرموده که بعد از من فارقلیط عبارت از اوست و حال آن که این لفظ همایون از آن حضرت رسول (ص) است، لاجرم به تصور باطلی دعوی نبوت کرد و کتاب ظاهر کرد انجیل و گفت این کتاب از آسمان نازل شده است» [۳، ص ۵۲۵].

طبقات‌المضللین کتابی است که اعتمادالسلطنه درباره احوال اشخاصی نوشته است که به دروغ ادعای پیغمبری کردند: «مانی چون مذاهب مجوس و نصاری و ثنویه را دید ادعای نبوت کرد و در اول کتاب خود که موسوم است به شاپورگان و به جهت شاپور بن اردشیر تألیف کرده، می‌گوید حکمت و اعمالی که در انبیاء و فرستادگان الهی است در هر زمانی می‌آید غیر زمان دیگر به مصلحت آن زمان، احکام و اعمال الهی و تکالیف ناس در هر وقتی به یک قسمی در یکی از بلاد آشکار می‌شود، در دست یکی از انبیاء، چنان که وقتی در دست پیغمبری که در هند بوده آشکار شد و وقتی در دست عیسی نبیناً و علیه السلام در ارض مغرب و وقتی در دست زردشت در ارض فارس آشکار گشت. پس امین وحی نازل شد در این قرن اخیر به دست من، پس منم مانی

رسول الهی و فرستاده حق به ارض بابل و ذکر کرده در انجیلی که وضع کرده او را به حروف ابجد در بیست و دو حرف و در آن جا می‌گوید منم فارقلیطی که بشارت داد به وجود او حضرت مسیح علیه السلام « [۳ ، ص ۵۳۳] .

آن چه را که اعتمادالسلطنه ذکر کرده، بسیار مهم است از چند جهت: نخست این که می‌گوید «در اول کتاب خود که مرسوم است به شاپورگان»، این گفته، هماهنگ است با گفته شهرستانی (نک . قبل) که آورده است: «حکیم مانی در باب الف انجیلش و در آغاز شاپورگان گوید». پس از سنجش دو نقل قول فوق‌الذکر مشخص می‌شود که مطالبی در اول شاپورگان و «باب الف» انجیل زنده یکسان بوده است. آن چه را که اعتمادالسلطنه از خاستگاهی ناشناخته ذکر می‌کند، دقیقاً بر پایه متن M 5794 تأیید می‌شود. در بخش پایانی نقل قول اعتمادالسلطنه آمده است: «... پس منم مانی رسول الهی و فرستاده حق به ارض بابل». این مطالب نیز هماهنگ است به متن تورفانی M4/II/v/ مطالبی هم که در خصوص انجیل آمده دقیقاً همان است که در دست نوشته یونانی کلن (CMC) آمده است (نک. به بعد). «منم فارقلیطی که بشارت داد به وجود او حضرت مسیح علیه السلام»؛ بنابراین از هم‌سنجی گفته‌های بالا و متن‌های تورفانی ذکر شده و CMC می‌توان نتیجه گرفت که متن‌های M5794 و M4/II/v/ بخشی از انجیل زنده مانی است. اگرچه بویس در کاتالوگ خود M5794[2,p115] را از «یکی از آثار مانی» و M4/II/v/ را سرودی فارسی درباره فرستاده» می‌خواند.

تنها کلیم کایت [۹ ، ص ۱۴۸] M4/II/v/ را از انجیل زنده می‌داند. اینک آوانوشت و ترجمه M5794 (حرف‌نوشت و آوانوشت آن با شماره a در [2,p29-30] نیز آمده است.

dēn īg man wizīd az abārīgān dēn ī pēšēnagān pad dah xir frāy ud wehdar ast yak ku den ī ahēnagān pad yak šahr ud yak izwān bud ēg dēn ī man ād ku pad harw šahr ud pad wisp izwān paydāg bawād ud pad šahrān dūrān kēšīhād, dudīg ku dēn ī pēšēn andom dāš sārārān pākān andar bud ... ud cēōn sārārān ahrāft hēnd ēgišān dēn wihurīd ud pad andarz ud kirdagān sust būd hēnd. ud pad...ēg den ī man pad nibēgān zindagān, pad hammōzāgān ispasagān, wizīdagān ud niyošāgān ud pad wihīh ud kirdagān dā ō abdom pattāyād sidīg kū awēšān gyānān pēšēnagān īg pad xwēš dēn kirdagān nē hanzaft ō dēn īg man āyēnd ušān xwad dar ī uzēnišn bawēd.

tasom ku ēn abhumīšn īg dō bun, ud nibēgān zīndagān wihīh ud dānišn ī man az hān ī pēšēnagān dēn frāydar ud wahy hēnd. panzom ku wispān nibēgān wihīh ud āzend īg pēšēnagān dēnān ka ō ēn dēn ī man....

«دین برگزیده من از دیگر دین‌های پیشینیان به ده چیز بزرگ‌تر و بهتر است یک

<این> که دین گذشتگان به یک کشور و یک زبان بود، <حال> آن که دین من پس

این > که به هر کشور و هر زبان پیدا بواد و به کشورهای دور آموخته خواهد شد، ددیگر > این > که دین پیشین تا زمانی که سالاران پاک اندرش بودند... و چون سالاران در گذشتند، پس دینشان آشفته شد و به اندرز و کرده‌ها سست شدند و ... <حال> آنکه دین من به کتاب‌های زنده، آموزگاران، اسپسگان، گزیدگان و نیوشایان و به خرد و کرده‌ها تا جاودان بیاباد.

سه دیگر > این > که این الهامات دوبن و کتاب‌های زنده، خرد و دانش من، از آن دین‌های پیشین بزرگ‌تر و بهتر است.

چهارم > این > که همه کتاب‌ها، خرد و داستان‌های دین‌های پیشین که به این دین من...»

نکته دیگری که نشان‌دهنده تعلق متن حاضر به انجیل زنده مانی است، این است که در آن از کتاب‌های زنده *nibēgān zīndagān* نام برده شده است که منظور از آن انجیل زنده است [4, pp27-30].

از سوی دیگر اصطلاح *abhumišn* در این متن آمده است که دقیقاً در متن M644/v که بخشی از انجیل زنده است، نیز دیده می‌شود:

- 1/[um ēn]
- 2/[abhumišn] abhuft[um ēn]
- 3/[saxwa]n zīndag nibišt. , u(m) [padiš]
- 4/[hān r]āzān wuzur[g] (ān u) kuni(š)[nān]
- 5/[mahistagān paydāgēni] (d) hēnd [.hān]
- 6/(k)[unišnān īg] wuzurg [ud....]

۱/بوسیله من این

۲/الهامات آشکار کرده [و به وسیله من این]

۳/سخان زنده نوشته شده. و به وسیله من [با]

۴/آن را ازهای بزرگ [و کن(ش)های]

۵/مهیستگان پیدا کرده شد [آن .]

۶/کن(ش)های بزرگ [و...]

برای بازسازی، آوانوشت و ترجمه آن نک: [8, p193].

متن روی آن نیز همان نقل قول انجیل است که در اکثر متن‌های انجیل یعنی M17/v/ سطرهای ۱-۷، M172/v/ سطرهای ۱۶-۱۷ و M644/v/ سطرهای ۱-۳، M5439/v/ سطرهای ۱-۳ و متن پهلوانیگ به خط سغدی So18056/v/ سطرهای ۱-۴ آمده است:

M644/r/:

- 1/...[e]wangelyōn z[īndag]...
- 2/[čaš](m) ud (gōš) wizēhēd u[d]...
- 3/[bār] ī rā(st)ī nizēhē[d]...
- 4/....
- 5/...
- 6/....

.../۱[انجیل زنده]...

.../۲[چشام و (گ)وش را می‌آموزد و.

.../۳[بارا را (ست)ی را آموزش ده‌ا].

.../۴

.../۵

.../۶

این مطالب برابر است با نقل قول‌های انجیل در متن یونانی مانوی (CMC)، آن‌جا که مانی از «آشکار ساختن رازها» و «کشف و شهودها» نیز از «انجیل نامیرا»، «کتاب‌های پدر»، «روح فارقلیط حقیقت»، سخن می‌دارد [7,p45-56].

در متن پهلوانیگ M4/V/ از قول مانی چنین آمده است:

- 1/'bjyrwng 'šnwrg hym
- 2/čy 'č b'byl zmyg
- 3/wyspryxt hymΘΘ wyspryxt
- 4/hym 'č zmgy b'byl 'wd
- 5/pd r'štyft br 'wyšt 'd
- 6/hymΘΘ ΘΘsr'wg hym 'bjyrw'ng
- 7/čy 'č b'byl zmyg frnft
- 8/hymΘΘ frnft hym 'č zmyg
- 9/b'byl kw xrwšn xrws pd
- 10/zmbwdygΘΘ ΘΘ'w 'šm' yzd'n
- 11/pdwh'm hrwyn bg'n hyrzyd w
- 12/'w mn 'st 'w pd 'mwjdyft ΘΘ

آوانوشت M4V:

- 1/abžīrwāng išnōhrag hēm
- 2/čē až Bābēl zamīg
- 3/wisprixt hēm.wisprixt
- 4/hēm až zamīg Bābēl ud
- 5/pad rāštīft bar awištād
- 6/hēm .srāwag hēm abžīrwāng
- 7/čē až Bābēl zamīg franaft

8/hēm .franaft hēm až zamīg
 9/Babēl ku xrōsān xrōs pad
 10/zambūdīg. ō išmā yazdān
 11/padwahām harwīn bayān hirzīd u
 12/ō man ast ud pad āmuždīft.

- ۱/ شاگرد <ی> سپاسگزارم
 ۲/ که از بابل زمین
 ۳/ برآمدم، برآمده
 ۴/ ام از زمین بابل و
 ۵/ به در راستی ایستاده
 ۶/ ام. سرود خوانم شاگرد <ی>
 ۷/ که از بابل زمین آمده
 ۸/ ام. آمده‌ام از زمین
 ۹/ بابل که خروش برخوانم به
 ۱۰/ جهان. شما ایزدان را
 ۱۱/ می‌ستایم، همه بغان گذشتند > از گناهانم < و
 ۱۲/ برای من است و برای آمرزیدگی

بنابراین آن‌جا که احمدبن یحیی بن المرتضی نویسنده کتاب المنیه و الامل فی شرح الملل و النحل آورده است که «مانی در انجیل و شاپورگان» و «در باب الف انجلیش و اول شاپورگان» مطالبی را نقل می‌کند [۳، ص ۲۹۹ و ۳۰۱].
 نیز طبقات‌المضلین می‌گوید که «در اول کتاب خود که موسوم است به شاپورگان» و سپس در پایان نقل قول می‌گوید و «ذکر کرده در انجیلی که وضع کرده است و او را به حروف ابجد در بیست و دو حرف و در آن‌جا می‌گوید منم فارقلیطی که بشارت داده به وجود او حضرت مسیح (ع) [۳، ص ۵۳۳]، می‌توان نتیجه گرفت که عباراتی مانند آن چه در M 4/II/v و M 5494 آمده است، در اول شاپورگان و باب الف انجیل زنده مشترک است.

ابوعلی سینا نیز در رساله خود به نام «لسان العرب فی اللغت» انجیل مانی را به گونه‌ی گکلیون یاد می‌کند که نزدیک به صورت فارسی میانۀ ewangelyōn است [۳، ص ۳۷۳].
 به گفته‌ی ایپفانوس «... مانی کتاب‌هایی چند نوشت یکی به همان تعداد ۲۲ حرف الفبایی سریانی و با همان ترتیب الفبایی» [6,p399]. نام انجیل مانی در کفالا یا نیز

آمده است. «... من آنها را نوشته‌ام در کتاب‌های روشنی‌ام، در انجیل بزرگ و گنج زندگی و پراگماتیا ... [1,p5].

در روایت‌های چینی مانوی، به جز متن 7277 ch/u که کریستیانه رک آن را از انجیل زنده دانسته است و متأسفانه امکان برگردان آن فراهم نشد^۱ - دو روایت چینی دیگر از انجیل مانی در دست است که ترجمه یکی از آنها عبارت است از:

«Ying-lun بزرگ (Evangelyōn) نشان‌دهنده کتاب دانایی است که سراسر ریشه‌ها و خاستگاه‌های آموزه‌های درست را می‌شناسد. متن چینی دیگر در رساله چینی Traité آمده است (در قطعه چینی در سطرهای ۱۳۱ تا ۱۳۴ که Eccles -Gunner سرگرم کار روی آن و انتشار آن هستند در نتیجه اجازه برگردان آن تاکنون فراهم نشده است).

در واقع متن‌های فارسی میانه M644/r,v/، M17/r,v/، M733/v/۳، M172II/r,v/، M5439/r/، متن پهلوانیگ به خط سغدی S018056/v/ و متن چینی Ch/U7277/v/ را قطعاً می‌توان از انجیل زنده دانست. در این مقاله متن‌های M5794 و M4/II/V نیز از انجیل دانسته شده است. متن پهلوانیگ M132a-b را نیز پ. آلفاریک در مقاله‌اش از انجیل زنده دانسته است. با این همه این متن نمی‌تواند از انجیل زنده باشد، بلکه از جمله متن‌های ترجمه انجیل به زبان‌های ایرانی است؛ یعنی ترجمه انجیل‌های مسیحی به زبان‌های ایرانی میانه [10]. متن S018056/v/، متنی است به پهلوانیگ و به خط سغدی. این متن تحت عنوان TM280 نیز شناخته شده است. سربرگ آن به خط سرخ باقی‌مانده، به زبان سغدی است و می‌تواند نشان‌دهنده (zpr)t β[ʹt]/zprt β[ʹxš] باشد به معنی «روح‌القدس / کلام مقدس» بقیه متن، همان نقل قولی از انجیل است که در متن‌های M172I.M644/v/، M5439/v/ و M17/v/ آمده است.

۱. بر پایه نامه مورخ ۲۵ می ۲۰۱۲ که از پروفیسور دزموند دورکین مایستر ارنست دریافت داشتیم، کریستیانه رک در کاتالوگ قطعه‌های nabichäisch-soghdisch خود قطعه‌های S018056، S018151 و Ch/U7277/v/ را از انجیل دانسته است. تنها قطعه پهلوانیگ به خط سغدی S018056/v/ (TM 280) می‌تواند از انجیل زنده باشد که در این مقاله هم آمده است. امکان ترجمه متن چینی باستانی Ch/U 7277 فراهم نشد.

۲. پرفیسور ساموئل لیو در نامه مورخ ۳۰ مارس ۲۰۱۵ دو نقل قول از انجیل زنده را در چینی به ما معرفی کردند که ترجمه یکی از آنها در اینجا آمده است. امکان ترجمه متن دیگر فراهم نشد.

اینک آوانویسی و ترجمه SO18056/v/:

(zpar)[t] β(āt)/(β)[āxš]
 1/....(ewange)l[yōn]...
 2/zīndag ī čašm ud
 3/[gōš][w]iz(īh)ēd ud bār
 4/[ī] (rāst)(ī)h (nēzīhē)d
 5/....
 6/....yazdān
 7/....
 8/....
 9/..
 10/...

ترجمه SO18056/v/

روح القدس / کلام مقدس

۱/... (انجیل) ..

۲/ زنده چشم و

۳/ [گوش] را می آموزد و بار

۴/ (راست) (ی) را آموزش دهد.

.../۵

.../۶ ایزدان...

.../۷

.../۸

.../۹

.../۱۰

متن‌های M17/r,v/ و M172/r/II و M172/v/I نیز متنی به نسبت منسجم از بخش

آغازین باب الف انجیل زنده به دست می‌دهند:

M17/r/:

arb nizehēd

1/kanīgrōšn sar

[ān])1/ ud abar (gowāg

2/ud išnawāgān ī

2/ī wispān

3/saxwan wābarīgān

3/wihīhān

4/hēb bawēd

4/istud ud

5/ist(āyiš)n ud

5/istāyīhēd

6/p(adixša)r ō pidar

6/dēn yōždahr pad

7/ud ō pusar

7/zōr ī pidar

8/ud ō wāxš
9/yoždahr (ud)

۱/ و برگویندگ[ان]
۲/ و شنوندگان
۳/ سخن‌باوری
۴/ همی باد
۵/ ستا(یش) و
۶/ ارجمندی بر پدر
۷/ و بر پسر
۸/ و بر روح
۹/ پاک
ewangelyōn
1/az pas wisp
2/ast u(d) harw
3/kē bawēd u bawād
4/pad awē zōr ēstēd
5/farrōxān ēn
6/ mizdagtāzīh
7/(pad)irēnd zīrān
8/ašnawēnd
9/ tahmān paymōzēnd

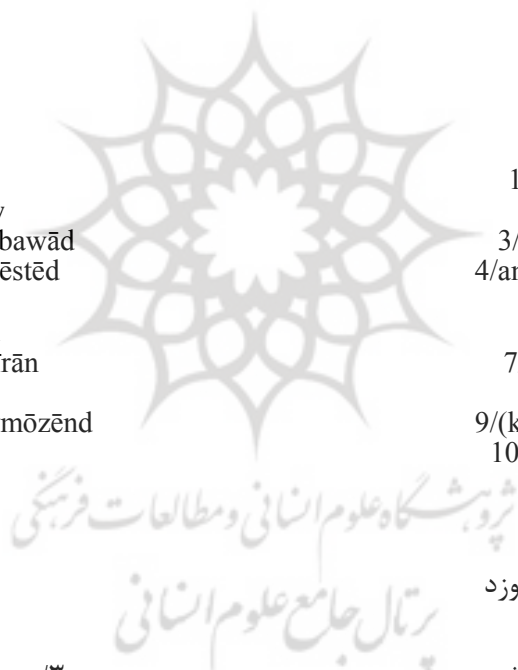
۱/ از پس
۲/ هست و هر
۳/ چه بُود و خواهد بود
۴/ به زور او ایستد
۵/ فرخان این
۶/ مزده را
۷/ (پذ) یرند، زیرکان

8/pad afrīn ī
9/mādar (ud pad)

برگردان:
الف را می‌آموزد.
۱/ دوشیزهٔ روشنی‌سر
۲/ همه
۳/ خردها
۴/ ستوده(است) و
۵/ ستوده می‌شود
۶/ دین پاک
۷/ به زور پدر
۸/ به‌آفرین
۹/ مادر (و به)
M17/v/
1/(gōš) wizēhēd
2/ud bār ī
3/rāstī nizēhē(d)
4/an Mānī frēštāg
5/īg Yišō
6/aryāmān pad
7/zōr ī pidar bay
8/w(ā)barīgān.
9/(kē) an azaš būd
10/dānāgān wahy

برگردان:
انجیل

۱/ (گوش) را می‌آموزد
۲/ و بار
۳/ راستی را آموزش دهد
۴/ من مانی فرستاده
۵/ ی عیسا(ی)
۶/ دوست به
۷/ کا(م) پدر بغ



- ۸/ راستین، آن / شناسند و
 ۹/ (که) من از ش بود <ه آم>
 ۱۰/ دانایان دانش

M172/v/I /۴-۲/ چنین می‌افزاید:

2/drōd ud āfrīn abar
 3/frazēndān ī drōdī ud abar gōwāgān
 4/ud išnawāgān ī saxwan wābarīgān

۲/ درود و آفرین بر

۳/ فرزندان درودی و بر گویندگان

۴/ و شنوندگان سخن‌باوری

در متن فارسی میانه S1/v/6/ از سن‌پترزبورگ نام انجیل به گونه

(')wnglyun 'y wyst w dw w dymwštyh'n

«انجیل ۲۲ شگفتی»

و در متن دیگری از سن‌پترزبورگ S1/v/4/ عبارت: 'wnglywn 'y 'rβ ncyhyd

«الف انجیل را می‌آموزد» آمده است. در متن دیگری از سن‌پترزبورگ نام «باب ت»

آمده است: 'wnglywn 'y (t)ww ncyhyd

«ت انجیل را می‌آموزد» [4, pp27-28].

مطالبی نیز از باب الف و باب‌های دیگر در متن قبطی Synaxeis Codex آمده

است که در بخش پیکره

بازسازی‌شده انجیل مانی خواهد آمد. بر پایه آنچه گفته شد «باب الف انجیل زنده»

مانی و باب‌های دیگر را می‌توان بر پایه متن‌های ایرانی، یونانی، قبطی و عربی به ترتیب

زیر بازسازی کرد:

باب الف

(M17/v/r/) سربرگ فارسی میانه الف انجیل را می‌آموزد.

(SO18056/v/) سربرگ سغدی روح پاک/ سخن پاک

متن باب الف (ترتیب متن‌ها از راست به چپ: +M/7/r/+M172/r/

+M17/v/+M5439+M172/v/+M17/r/v/+M5439+M172/v/I+M172/r/I

چینی)

(+CMC+M644/v/+CMC+M644/r/+CMC M733/v/+

عربی)+S1/v/5+MSC+M4II/v/+M5794+.

ستوده است و ستوده شود گرامی‌ترین پسر، عیسی زنده‌گر، سر همه دهش‌ها، پشت پاکان و دریافت زیرکان.

ستوده است و ستوده شود دوشیزه روشنی، سر همه خردها.
 ستوده است و ستوده شود دین پاک به زور پدر، به آفرین مادر به خرد پسر.
 درود و آفرین بر فرزندان درودی و بر گویندگان و شنوندگان سخن‌باوری.
 همی باد ستایش و ارجمندی بر پدر و پسر و بر روح پاک و بر کتاب پاک.
 گفتار انجیل زنده چشم و گوش را می‌آموزد و بار راستی را آموزش دهد.
 من، مانی فرستاده عیسی دوست، به کام پدر، بغ راستین، آن که من ازش بود(هام)
 او زید و بیاید تا به جاودان ... از پس همه هست و هرچه بود و بواد به زور او ایستد.
 فرخان این مژده را پذیرند، زیرکان شناسند، تهمان پوشند، دانایان، دانش...
 من از اویم و از خواست او. همه ائو‌هایی را که او برایم آشکار ساخت، دیده‌ام. من
 راستی را به همراهانم نشان دادم، آشتی را به فرزندان آشتی آموخته‌ام، امید را به
 فرزندان نامیرا اندرز کرده‌ام. امید را اندرز کرده‌ام، به دست من راز آشکار شد و به دست
 من این سخن زنده نوشته شد و به دست من آن رازهای بزرگ و نهش‌های سروران
 آشکار کرده شد آن کردارهای بزرگ و...

این «انجیل نامیرا» را نگاشته‌ام که در آن من این اندازه رازهای شگرف و کارهای
 بزرگ را جای داده‌ام و در آن نشان داده‌ام. آن همه بزرگ و شکوهمندترین، پرتوان‌ترین
 کارهای شگرف را. آن چه را او بر من آشکار ساخت به آنانی نشان داده‌ام که با نگرش
 راستین زندگی کنند.

من نگرسته‌ام و از رازهای با شکوه که بر من آشکار گردیده است، همه رازهایی را
 که پدرم به من داده است، از دینداران و بی‌دینان، نیز از جهان نهفته‌ام و پنهان کرده‌ام،
 اما از سر خشنودی خوشبخت‌ترین پدر خود، بر شما آشکار کرده‌ام. اگر باز هم او را
 پسند افتد، دوباره رازهایی را بر شما آشکار سازم، زیرا دهشی را که پدرم به من داده
 است، بسیار بزرگ و [گسترده] است. به راستی اگر [همه] جهان و همه مردمان از او
 فرمان برند، همین دارایی و سودی که پدرم به من بخشیده است، مرا بسنده خواهد بود
 تا شما را توانگر سازم و بدان کوشم که دانایی را در همه جهان بگسترانم...:

همین که پدرم را پسند افتاد و مرا در درباری و پرستاری‌اش پذیرا گشت پس از
 آن‌جا برایم سیزیگوس خود را فرستاد که بسیار آرامش بخش است که میوه کامل
 زندگی جاودان است، تا این که او مرا از این گمراهی‌های پیروان آن کیش آزاد ساخت و

رها کرد. او نزد من آمد و بهترین امید را، رهایی را برای زندگی جاودان، آموزه‌های راستی را و رهنمودهایی که از پدرم آمده است، برایم آورد. با آموزش، او مرا از میان دیگران برگزید، مرا نزد خود خواند، از پیروان آن کیش جدا ساخت، در حالی که من بالیده بودم.

در کتاب‌های پدر، باز هم همانند چنین رویدادهای شگرفی آمده است که نشان‌دهنده رازها و الهامات او برای رسالت ماست چرا که سخت بزرگ است این فراوانی کنونی که به دست روح فارقلیط حقیقت <برای ما> آمده است. به راستی برای چه و چرا ما بدان پرداخته‌ایم؟ چرا که ما یک بار و برای همیشه باور داریم که این رسالت با الهاماتش فراتر از همه چیز است. ما از نیروی نیاکان ریشه گرفته‌ایم و رازها و الهاماتشان را برای هر یک از شما نشان می‌دهیم: بر پایه اندیشه کسانی که ناباوری را بر تن کرده‌اند و چیزهایی <نادرست> را درباره این الهامات و وحی‌های پدر ما باور دارند، آنان باید بدانند که خویشکاری رسول پیشین نیز چنین بوده است. همین که هر یک از شما گزیده شد، او <همه چیز را> بر نوشت <هر آن چه را> دیده و شنیده بود گزارش کرد، چنان گواهی بر الهاماتش اما شاگردانش مهر رسالتش هستند.

... و به انجیل و <گنج> زندگان گوید که به زمین و... شهریار بهشت در ناف زمینش زندگی می‌کند. ... او بر همه زمینش چیره است ظاهر و باطن، او مرزی ندارد. به جز در کناره‌ای که زمینش به زمین و شخصش بر خورد می‌کند... منم فارقلیطی که بشارت داد به وجود او حضرت مسیحی(ع)...

دین برگزیده من از دین‌های پیشین به ده چیز بزرگ‌تر و بهتر است یک <این> که دین گذشتگان به یک کشور و یک زبان بود، <حال> آکه دین من پس <این> که به هر شهر و به هر زبان پیدا بود و به کشورهای دور آموخته خواهد شد، <دیگر> <این> که دین پیشین تا زمانی که سالاران پاک اندرش بودند... و چون سالاران درگذشتند، پس دینشان آشفته شد و به اندرز و کردارها سست شدند و به ... <حال> آنکه دین من به کتاب‌های زنده، آموزگاران، اسپسگان، گزیدگان و نیوشایان و به خرد و کرده‌ها تا به جاودان بپاید. <دیگر> <این> که این الهامات دین و کتاب‌های زنده، خرد، و دانش من از آن دین‌های پیشین بزرگ‌تر و بهتراند و چهارم <این> که همه کتاب‌ها، خرد و داستان‌های دین‌های پیشین که به این دین من...

شاگردی سپاسگزارم که از بابل زمین برآمدم. برآمده‌ام از زمین بابل و به در راستی

ایستاده‌ام. سرود خوانم شاگرد <ی> که از بابل زمین آمده‌ام. آمده‌ام از زمین بابل که خروش برخوانم به جهان، شما ایزدان را می‌ستایم، همه بغان گذشتند <ز گناهیم> او برای من است و برای آموزیدگی...

من جدا کردم... فرزندان <زنده> را... <ز> آن چه که مرده است، فرزندان روشنی را از فرزندان تاریکی... من جدا کردم فرزندان بلندی‌ها را از فرزندان پستی‌ها، فرزندان خدا را از فرزندان دشمن. من ایزدان روشنی را از آرخون‌ها بازشناختم... آگاه باشید، استوار باشید، نیرومند باشید، نیوشای دانش <باشید> گوش‌هایتان را باز کنید به گونه‌ای که اندام‌های شنوایی‌تان از دانشی که پدر بزرگی آورده، لبریز گردد... در این انجیل نوشت، ورجاوند... از راستی، وحی راستین آن چه که از پدر بزرگی است که آشکار می‌کند، رازهای بزرگی را که روی داده است و همه آن چه را که روی خواهد داد، از آغاز تا <به> پایان آن که آشکار گردد و آگاهی دهد درباره تفسیر ۲۲ سخن از الفبای آغازین، که آن سخنان وام گرفته شده‌اند یا آن <ها> کاشته شده‌اند...

«باب ب»

(توصیفگر قلمرو تاریکی، رویدادهای اولیه و طرح دراماتیک آن) [6, pp115-127].

«باب ج»

گزارشی درباره ائو‌های روشنی، نزدیک بودن خطر و ساختارهای اهریمنی و آمادگی نبرد»

«باب س»

...آموزه‌ها و... قانون‌ها... در میان آنها... و زایش تنش... آنها به تنهایی بدنم را خوراک دادند... در آن آموزه... و کشیشانش... بدنم را... که باید بکنم... پس اعتماد نکردم بدیشان وقتی که خردسال بودم... <آنها خور> اک دادند تنم را تا او آمد... به دور از بدی... اندک اندک... نادرستی قانون آنها... اما... نادرستی... آنها به هر حال باطل کردند <و...> به آنها به وسیله پیوند قانون، به روش... بودند... دور از برای نادرستی اش. پس <من...> اندک اندک و من دور شدم از نادرستی <آن> قانون من ایشان را از مرگ به زندگی آوردم، برای من... در برابر ایشان بنا بر... چند گاهی... من... از آنها... از استان‌های آن کشور(؟) خاوری، هندو <ستان>. در آن جا <من رویارو شدم> (؟) با <آموزه‌های> فرقه‌هایی بسیار و طبقاتی بسیار <که(؟)>... به جز قانون <شان>، چرا که... یکی از دیگری... بر پایه... آن جایی که من جدا کردم، طبقه به طبقه، آموزه به آموزه، در آن جا نگریم به طبقه برهمنان <و دریافتم> که آن‌ها زورمند و استوار از... شان

بودند... در سرزمین خاور آنها در <طبقه؟...> خود محترم بودند... دیگر آموزه‌ها. اینک قانونشان چنین است... من نگرستم به قانون آنها و دریافتم(?) که رهبران و آموزگارانشان [...] ... در پیشگویی و زهد، در مهارت‌هایی خاص... موی سرش. آن برای آموزگاران خویش است که گوش دهند.

از این پس (۴) پیامبر <شان>، پدرشان، درمانده از هنگامی که دیدم که آنها بدین‌گونه در دشمنی و شنیدن هر سخن دیگری جز خود هستند... و کیش و آیینشان که از آن پشتیبانی می‌کنند و هستند [...] طبقه خود و نمی‌جویند بیرون از [...] ... قانون خود. به‌زودی <من؟> [...] ... سرم، من جستجو کردم پس از [...] ... مکان‌هایشان که... <من؟> گفتم؟ که قانونتان که [...] ... که... (پایان صفحه، به هر حال در این متن گفتگوی میان مانی و هندیان در بخش‌های افتاده، جای داشته است).

باب ص /ق

... <و> برگزید قوم را... <آن کشور> یکپارچه... <او>... از آن آنها... ربوبیت آنگاه، <او> به خاطر [...] به آن است(۴) سخینا، از برای به‌دست آوردن [...] رها کرد؟ ارتش را... سرانجام، پس از [...] فرزندان ابراهیم، او(۴)... به آن‌ها، آن‌ها... و آن‌ها... بردگی و خواری [...] کار <اجبارش> پس آنها از مصر رهسپار شدند > و گذشتند از میان(۴) <منطقه کوهستانی سینا> که کوه سینی است... آن جا فراوان <بی‌شمار> خار <می‌روید(۴)> در آن <جا(۴)>. اکنون، خار سینا نامیده می‌شود به زبان آن‌جا... [...] این که چرا(۴) <آن کوهستان نامیده شده... [....] سخینا، بر پایه نام بوته‌های خاری که با آنها <همه آن‌جا(۴)> پر شده است [...] این بابلی‌ها رها شدند(۴) [...] و آنها... در آن <سرزمین(۴)> را اشغال کردند... و شاه شدند در آن... فرات... این کل <دانی(۴)>... در(۴) عبری < [...] در بابلی [...] [5, pp115-127].

باب ت انجیل ت را می‌آموزد.

نتیجه‌گیری

پیش از کشف متن‌های تورفانی، قبطی و یونانی، نویسندگان ایرانی چون بیرونی، شهرستانی، ابن ندیم، و دیگران مطالبی را دربارهٔ انجیل زندهٔ مانی که ۲۲ باب داشته به نشانهٔ ۲۲ حرف ابجدی الفبایی سریانی، ذکر کرده‌اند که پس از کشف متن‌های نامبرده‌شده گفته‌های آنان تأیید شد. اینک بر پایهٔ متن‌های ایرانی (فارسی میانه،

پهلوانیگ به خط سغدی و پهلوانیگ) می‌توان مطالبی را از سربرگ/انجیل زنده و نیایش‌های آغازین باب الف آن به دست آورد. در این مقاله دو متن M5794 و M4/II/v نیز از انجیل زنده دانسته شده است.

بر پایه متن یونانی کلن (CMC) و متن قبطی Synaxeis Codex (MSC) که نقل قول‌هایی از باب الف و باب‌های ب، ج، س، ص/ق را به دست می‌دهد، می‌توان تصویری کلی از این باب‌ها نیز به دست آورد. از باب پایانی، یعنی «ت» نیز تنها سربرگش به جای مانده است.

باب الف بیشتر نقل قول‌هایی است که مانی به گونه اول شخص من این کار را کردم/ من آن کار را کردم، آورده است. باب ب بر پایه متن MSC توصیفگر قلمرو تاریکی، رویدادهای اولیه و طرح دراماتیک آن است. باب ج گزارشی درباره ائوون‌های روشنی، نزدیک بودن خطر و ساختارهای اهریمنی و آمادگی نبرد است. باب س نیز بر پایه MSC در بردارنده حکایتی است در خصوص دیدار مانی با کیش‌های دیگر از جمله هندوان و باب ص/ق نیز بر پایه MSC بیانگر داستانی است از عهد عتیق درباره خروج بنی‌اسرائیل از مصر و عبور از صحرای سینا. از باب پایانی یعنی «ت» نیز تنها سربرگ آن بر جای مانده است.

آن‌چه که از انجیل زنده مانی برجای مانده است، به خوبی گفته ابوریحان بیرونی را در آثار الباقیه تأیید می‌کند: «نزد هر یک از پیروان مرقیون و پیروان ابن دیسان انجیلی است که با آن انجیل‌ها برخی نابسامانی‌ها دارد. پیروان مانی هم/انجیل جداگانه‌ای دارند که با [انجیل] نصرانیان از آغاز تا انجام ناهمساز است. اینان بدان‌چه در آن آمده باور دارند، می‌پندارند که همان درست است و بس؛ (گویند که) مسیح (ع) هم به مقتضای آن آورده و رفتار کرده، جز آن پوچ و نادرست باشد. پیروانش آن را دروغی به مسیح (ع) بسته‌اند. نسختی از (انجیل) هست که آن را انجیل هفتادی نامند، آن منصوب به بلامس است که سرآغازش آمده سلام بن عبدالله بن سلام آن را از زبان سلمان فارسی نوشته، هر کس در آن بنگرد ساختگی بودنش بر او پوشیده نماند. نصرانیان و جز ایشان آن را انکار می‌کنند، بنابراین در میان انجیل‌ها هیچ یک از کتاب‌های پیامبران پیدا نمی‌شود که بتوان بر آن اعتماد کرد [۴، ص ۲۹].»

منابع

[۱] آلبری، سی.آر.سی (۱۳۷۵). زبور مانوی، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، فکر روز.

- [۲] ابن ندیم، (۱۳۸۱). *الفهرست*، ترجمه: محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر.
- [۳] بیرونی، ا (۱۳۹۲)، *آثار الباقیهف* ترجمه: پرویز اذکایی، تهران، نشر نی.
- [۴] درویشی، س (۱۳۹۴). *انجیل زنده: بررسی متن‌های فارسی میانه، پهلوانیگ و سغدی مانوی انجیل زنده مانی و سنجش آن با اناجیل اربعه، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، استاد راهنما آرمان بختیاری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.*
- [۵] زوندرومان، و (۱۳۸۱). «پیشینه، جایگاه و برنامه‌های پژوهش‌های تورفانی»، *نامه فرهنگستان، تهران، دوره ۵، شماره سوم، صص ۱۷۵-۱۸۶.*
- [۶] شهرستانی، م (۱۳۸۶)، *دینها و کیش‌های ایرانی در دوران باستان*، ترجمه: محسن ابوالقاسمی، تهران، هیرمند.
- [۷] عزیزی، ن (۱۳۹۳)، *بررسی تطبیقی دین مانی در متن‌های عربی با آموزه‌های دین مانی، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی. استاد راهنما آرمان بختیاری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.*
- [۸] فشار شیرازی، ا (۱۳۳۵)، *مانی و دین او*، تهران، چاپخانه عباس.
- [۹] کلیم کایت، ه (۱۳۸۴)، *هنر مانوی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، اسطوره.
- [۱۰] یعقوبی، احمد (۲۵۳۶)، *تاریخ یعقوبی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [11] Böhlig, Alexander (1940). *Kephalaia*. Band 2, 1. Hälfte (Lieferung 1-10). mit einem Beitrag von Hugo Ibscher. V. Stuttgart, Kohlhammer Verlag.
- [12] Boyce, M. (1960). *A Catalogue of the Iranian manuscripts in Manichaean scripts in the German turfan collection*. Berlin, Akademie Verlag.
- [13] ----- (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*. Leiden, Brill.
- [14] Durkin-Meisterernst, D. (2010). "Literarische Termini in mitteliranischen Manichäismus, Gattungs- und Werksgegeschichte". *Vorträge des Göttinger Symposiums vom 4/5. März*. Herausgegeben von Zekine Özertural und Jens Wilkens, De Gruyter 27-30.
- [15] Funk Wolf Peter (2009). "Mani's account of other Religious according to the Copite Synaxeis Codes". *New Light on Manicheism*. Papers from sixth international Congress on Manicheism. ed. by Janson David Beduhn. Brill-Leiden-Boston, Brill. 115-127.
- [16] Kessler, K. (1889). *Mani Forschungen über die Manichäische Religion*. Erster Band. Berlin, Druck und Verlag von Georg Reimer.
- [17] Könenn, L.; Römer, C. (1987). *Der Kölner Mani-Kodex, über das Werden seines Leibes*. Kritische Edition. Springer Fachmedien, Wiesbaden GmbH.
- [18] MacKenzie, D. N. (1994). "I. Mani, ...". *Gnosisforschungen, und Religionsgeschichte, Festschrift für Kurt Rudolph*. Marburg, Diagonal Verlag, S. 183-149.
- [19] Sunderman, W. (1968). "Christliche Evangelien Texte in der Überlieferung der iranisch-Manichäischen Literatur". *Mitteilungen des Institut für Orient Forschung*. Band XIV. Berlin, Akademie Verlag, S.



شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی